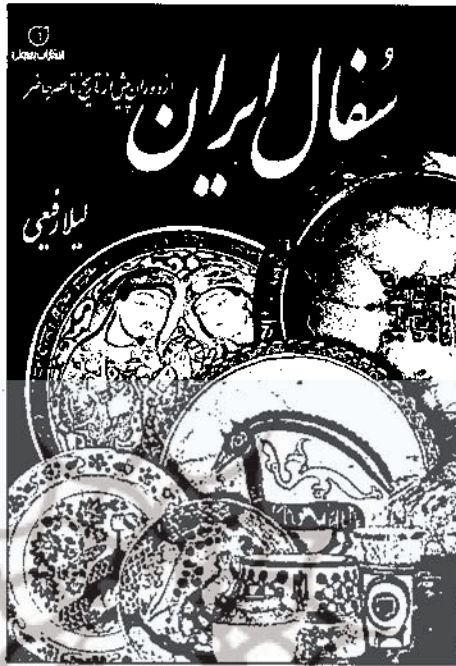


سفال ایران

از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر

● نگارش: لیلا رفیعی



سفال شهرهایی چون سمرقند، بخارا و کویاچه (داغستان کنونی) نام برده و به این نکته اشاره کرده که در زمان تولید اشیاء سفالین، این شهرها جزئی از ایران بوده‌اند. از طرفی یادآور شده که به عللی از جمله: عدم ارائه اطلاعات صحیح به لحاظ عدم شناخت از اصول علمی حفاری جز در چند دهه اخیر و اطلاعات نادرست توسط کاوشگران غیرمجاز، امکان تعیین تاریخ درست و محل دقیق تولید اشیاء میسر نشده است.

وی سپس به شرح کلی سفال، سفال در دوران پیش از تاریخ، وسایل عمده تولید سفال در دوران کهن، انواع مختلف کوره و ساختمان آنها، مشخصات عمومی سفال، علل و اهمیت تولید سفال در دوران کهن پرداخته است. همچنین با بررسی سفال ایران و نقل نظرات رومن گیرشمن، ژان لویی اوئو، ملکوم هسلام و چارلز ویلکینسون که سفال سراب را کهن ترین سفال ایران دانسته، یادآور می‌شود که کهن ترین سفال‌های موجود در جهان متعلق به ایران و از غرب ایران آمده است.

در ادامه روش‌های مختلف تزیین سفال کهن ایران، همچون تزیین بردشدار، کننده کاری، قالبی، مشبک، برجسته (افزوده)، مینیا تور، لعاب، و... با استفاده از تصاویر و طرح بررسی شده است. سپس به سیر تحول سفال از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر اشاره شده است. سفال در دوران هخامنشیان، پارت‌ها (اشکانیان)، ساسانیان و بنی‌امیه که نگارنده محدودیت حفاری‌های علمی در شهرهای مربوط به این دوره را عاملی در عدم ارائه یک نظر کلی دانسته و منابع اطلاعاتی مربوط به این دوره و همچنین دوره عباسیان که مؤلف آن را دوره تجدید حیات روش فنی تزیین چند رنگ معرفی کرده است مربوط به بررسی‌های ژان لاکام (Jean Lacam) از حفاری‌های شوش و سفال‌های مکشوفه در استخر و نیشابور دانسته است.

در بخش پایانی نمونه‌هایی از اشکال سفال کهن ایران در شهرهای مختلف و انواع سفال در شهرهای ایران باستان از جمله: تخت سلیمان، تپه سلیک، شوش، استخر، املش یا مارلیک، لرستان همراه با ارائه تصویر، طرح و نقشه مورد بررسی قرار گرفته است. کتابشناسی و ارائه تصاویر رنگی (۶۲) ضمیمه پایانی کتاب است.

کتاب در قطع رحلی و ۲۴۸ صفحه (مصور) و با قیمت ۴۵۰۰۰ ریال منتشر شده است.

سفالگری به لحاظ مردمی بودن آن، در هر منطقه گویای ویژگی‌های اقلیمی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری کسانی است که در آن نقطه زیسته‌اند. طرز ساخت ظروف و اشیاء سفالین نیز نشان‌دهنده شیوه تفکر و تخیل سازندگان آن بوده است. بنابراین سفال وسیله‌ای است در جهت شناسایی طرز زندگی و اندیشه مردمان باستان که امکان شناخت و درک این مفاهیم تنها از طریق همین دست‌آفریده‌های بازمانده از خاک میسر شده است. سفال، تنها یک بیان ظاهری نبوده و نیست، چرا که صنعتگر از طریق آن دید خود را از طبیعت به صورت طرحی زیبا و زینتی نشان می‌دهد.

کتاب حاضر سعی در نشان دادن ارتباط یک محصول هنری و دست‌های آفرینشگر آن، مراحل تولید و تزیین آن، رنگ، مضمون و روش‌های فنی پدیدآمده در طول تاریخ و سیر تحول آن بوده است.

نگارنده، کتاب را ترجمه‌ای آزاد از رساله‌اش که جهت اخذ مدرک فوق لیسانس در رشته هنرهای زیبا از دانشگاه پاریس ارائه کرده می‌داند و اضافه می‌کند که اثر حاضر با بهره‌گیری از منابع و مدارک موجود در کتابخانه‌ها و موزه‌های اروپا، بررسی از نقاط مورد کاوش در ایران فراهم آمده است. همچنین با ذکر این نکته که بخش فلات ایران و توضیحات مربوط به شهرهای ایران را به لحاظ اینکه هدف، ارائه اطلاعات به خارجیان ناآشنا با شهرهای ایران باستان بوده حذف کرده است. سپس در جهت نشان دادن سفال ایرانی از

قدیم از جنس ابریشم خام بوده است. ابریشم بهار را مناسب‌تر می‌دانستند و تارهای بیرونی پيله را از تارهای انتهایی آن بهتر می‌دانسته‌اند. و تر زیر معمولاً با ۱۰ تار ابریشم خام (۵ + ۵) و تر بم معمولاً با ۱۲ تار ابریشم خام (۶ + ۶) تهیه و تاییده می‌شده است. صدای حاصله از وترهای ابریشمین ظریف تر و در عین حال کمتر بوده است.

نحوه تابیدن ابریشم خام آدابی داشته که ذکر آن از حوصله این گفتار خارج است.

- جنس دستان‌ها: فعلاً از نخ‌های پلاستیکی استفاده می‌شود. اما در گذشته دستان‌ها را معمولاً از زه (روده تاییده)، مفتول فولادی یا مفتول نقره درست می‌کرده‌اند.

نحوه ساخت دو تار خراسان

کاسه سازه‌های زهی زخمه‌ای دارای دستان در ایران معمولاً به سه صورت مختلف ساخته می‌شود:

۱- کاسه یکپارچه

۲- کاسه ترکیه‌ای

۳- دو نیم کاسه قرینه که به هم متصل شده‌اند.

دو تارهای شرق و شمال خراسان دارای کاسه‌ای یکپارچه هستند. از هر مقطع کنده درخت توت - که حداقل بایستی ۶۰ - ۵۰ سانتی متر قطر آن باشد - معمولاً چهار کاسه دو تار ساخته می‌شود. برای ساختن کاسه ابتدا سطح و حجم بیرونی کاسه را تراش می‌دهند و سپس داخل کاسه را با تیشه، مغار و ابزارهای معمولاً ابتدایی خالی می‌کنند.

اتصال دسته به کاسه در دوتارهای شرق و شمال خراسان به صورت مستقیم و بدون بهره‌گیری از قسمت رابط «گلو» یا «گلوبی» می‌باشد.

به طور کلی می‌توان چنین استنباط کرد که کاسه‌های یکپارچه از کاسه‌های ترکیه‌ای قدیمی‌تر هستند. زیرا تراش ترکیه‌های چوبی مستلزم وجود ابزارهای پیشرفته‌تر است.

ضخامت کاسه و صفحه روی آن در جنس و حجم صوتی دو تار تأثیری مستقیم دارد. دسته دو تار در خراسان معمولاً ظریف و باریک است. در این میان دسته دو تارهای شمال خراسان نسبت به دو تارهای شرق خراسان ظریف‌تر و باریک‌تر است. لبه دسته دو تار شمال خراسان نیز نسبت به دو تار تربت جام گردتر است. ظرافت و باریکی و گردی بیشتر دسته دو تارهای شمال خراسان می‌تواند بدان سبب باشد که استفاده از انگشت شست دست چپ را در گرفتن دستان‌ها سهل‌تر و راحت‌تر کند. دو تارهای شرق خراسان که انگشت شست دست چپ برای گرفتن دستان‌ها کاربردی در آنها ندارد، دارای دسته‌ای پهن‌تر و تا حدی کلفت‌تر هستند. گردی دسته آنها نیز نسبت به دو تارهای شمال خراسان کمتر است.

خرک دو تارهای شمال خراسان نیز به مانند دو تارهای ترکمنی بسیار کوتاه و معمولاً از ۳-۲ میلی‌متر تجاوز نمی‌کند. ارتفاع خرک در دوتارهای تربت جام کمی بیشتر است.